سه غرض مهم شارع در تصریح به یقین ثانی

33:26

آن چه که من می‌خواهم عرض کنم، یک احتمال طلبگی است. این‌که شارع در این ادله یک عنایت خاصی را به کار برده که مقصودش جدا کردن این‌ها بود. خب حالا یک بیان هم این است. با پشتوانه مطالبی که دیروز عرض کردم. ببینید شارع، مستحبات و واجبات دارد. این یک چیز دوری نیست که شارع وقتی واجبات خودش را انشاء ثبوتی می‌کرده –نه تنها دور نیست بلکه موافق ارتکاز همه شما هم هست- موضوع ثبوتی انشاء خودش که ربطی به یقین من ندارد. «اذا زالت الشمس دخل وقت الصلاة»؛ شما یقین پیدا می‌کنید خب بکن، وقت که داخل شده. موضوع انشاء ثبوتی من شارع زوال شمس است. موضوع شروع وجوب صومی که من شارع قرار داده‌ام دخول شهر رمضان است. پس «لایقبل الا بالیقین» چه کار دارد می‌کند؟ دارد امتثال من را توضیح می‌دهد؛ این‌که وقتی می‌خواهی حکم اصلی من را امتثال کنی تو باید چه کار بکنی را توضیح می‌دهد. خب چرا این کار را بکنیم که این قدر یقین برجسته می‌شود؟ چون فرض الله با فرض السنة جدا می‌شود. خب یک محمل دیگرش سه امری است که من عرض کردم. چون فرض الله و فرض السنة همه جا نیست. الآن شما قاعده درء را گفتید که ربطی به فرض الله ندارد. مرحوم صدوق هم که فرمودند «فرائض لایقبل» منظورشان اصالً فرض الله مقابل سنت نیست. شما ریخت عبارت را ببینید، هر کسی عبارت فقیه را بخواند از «الفرائض» چه چیزی به ذهنش می‌آید؟ یعنی واجبات.

شاگرد: طواف هم به این صورت نیست.

استاد: بله، آن هم به این صورت نیست که فرض الله و فرض السنة داشته باشد. ندارد.

شاگرد:...

استاد: آنکه می‌گویند چهار در شود، اصلش سه و نیم است. لذا غیر از این است که بگویی چهارات از آن‌ها از سنت است. طواف که از نصف در شد احکام شکوک تفاوت می‌کند. لذا حتی فتوا هم هست. احتیاط هم هست که از سه و نیم در شده و به چهار نرسیده. نوعاً احتیاط می‌کنند. چون می‌گویند میزان همان نصف است. اگر از سه و نیم در شد احکامش می‌توانند تخفیف پیدا بکند.

خلاصه الآن یک بناء دیگر این است که شارع چیزهایی را که واجب قرار داده، این‌ها اساس شرع او است. مستحبات مکمّلات شرع او هستند. آن سه عنصری را که عرض کردم شارع برای احکام خودش در نظر دارد، پشتوانه این است که بگویی «ان الفرائض لاتؤدی الا بالیقین». پشتوانه‌ها چه بود؟ یک نحو استمرار نظم بود؛ یعنی همه امت اسلامیه با هم به‌صورت منظم یک کاری را انجام بدهند. دوم تسهیل بود. کاری بکنند که برای همه آسان باشد. هر کسی هر کسی، نشود. میخی را بکوبد که ادامه آن برای همه مسلمانان در سهولت باشد. سوم تعظیم شعائر است. یعنی می‌توانند در مستحبات تعظیم شعائر باشد، حرفی در آن نیست اما خب مستحبات است. اما آن چه که اساس میخ خیمه تعظیم شعائر می‌تواند باشد فرائض است. چون نوعاً و بیشتر از دو درصد مسلمانان به فرائض اهمیت می‌دهند. پس آن چه که می‌تواند «یعظم شعائر الله» باشد و مصداق اتمش باشد حوزه واجبات شرع است. و دهها مورد دیگر. ما در این مباحثه این دو مورد را گفتیم. خدای متعال که

اصل احکام ثبوتی خودش را تنظیم کرده و به متشرعه یاد داده که این احکام من را در بستر اجتماع چطور انجام بدهید، خودش صدها وجه دیگر را میداند، که ما میتوانیم از لابهلای کلمات شارع آنها را استفاده بکنیم. فعلاً این دو-سه مورد را عرض میکنم. برای اینکه بگوییم یک امر تعبدی نیست تا بگوییم در اینجا چون فرض است، قید فرض یقین است. درحالیکه ما میدانیم موضوع ثبوتی فرض، همان ثبوت است. این را چه کار کنیم؟

بازبینی #1
ایجاد شده 7 ژوئن 2026 13:39:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 ژوئن 2026 13:40:18 توسط ... .